

## بازخوانی تحلیلی نقش آیت‌الله بروجردی و امام‌خمينی علیه‌السلام در مبارزه با اسلام‌ستیزی و نفوذ بهائیان در حکومت پهلوی

مسلم محمدی\*

### چکیده

فرقه بهائیت از نظر باورهای اعتقادی در گستره توحید، نبوت و معاد، عملاً خلاف آن چیزی را معتقدند که باور مشترک تمام فرق اسلامی است، تا جایی که برای رهبران خود، مقام نبوت و رسالت قائل بوده و دین اسلام را دین نسخ‌شده و پایان‌یافته‌ای می‌دانند. نفوذ این فرقه، پس از شکست فکری از علمای عصر قاجار و اعدام علی‌محمد باب کاهش یافت، ولی پس از به‌حکومت رسیدن محمدرضا پهلوی و به‌خصوص در دهه‌های سی تا پنجاه، به‌مناسب اساسی در حکومت و دربار دست یافتند و با حمایت دولت‌های استعماری، روش‌های مختلف اسلام‌ستیزی را پیش گرفتند. نقش روحانیت و مراجع آگاه، به‌خصوص آیت‌الله بروجردی و پس از ایشان، امام‌خمينی علیه‌السلام در مبارزه فکری و قانونی با این فرقه، بسیاری از اهداف مشترک حکومت و بهائیت را خنثی کرد.

### واژگان کلیدی

بهائیت، حکومت پهلوی، روحانیت، آیت‌الله بروجردی، امام‌خمينی علیه‌السلام.

Mo.mohammadi@ut.ac.ir

تاریخ تأیید: ۹۰/۲/۲۰

\* استادیار دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۱/۲۹

## مقدمه

پیدایش و گسترش بهائیت به‌عنوان یکی از فرقه‌های نوپدید در قرن نوزدهم میلادی، محصول علل و عوامل متعدد درون و برون‌مرزی است. در عوامل بیرونی، سهم بیشتر را باید به دولت‌های استعماری داد که در راستای چپاول ثروت‌های طبیعی و ملی و کم‌فروغ‌کردن باورهای اعتقادی و شیعی مردم ایران، راه فرقه‌سازی از جمله سروسامان‌دانان فرقه‌ای به‌نام بهائیت را در پیش گرفتند.

از سوی دیگر، مردم از جنگ‌های سختی که در سال‌های پیش از ظهور جنبش باب، بین ایران و روسیه تزاری وجود داشت و نیز بی‌کفایتی دولت‌های قاجار، خسته شده بودند و به دنبال پناهگاهی معنوی می‌گشتند. لذا حالتی پیش آمده بود که همه در انتظار فرج امام زمان علیه السلام به سر می‌بردند تا ملت اسلام را از یوغ ظلم روسیه تزاری و چپاول‌های لگلیس و دولت حاکم نجات دهد. این عوامل باعث شد که عده‌ای از مردم، با شنیدن ادعاهای باب و پیروانش به‌آن‌ان گرایش پیدا کنند و به‌جای پناهگاه صحیح، به‌پناهگاه کاذب روی آورند. (زعیم‌الدوله تبریزی، ۱۳۴۶: ۱۱۸ و ۱۱۹)

به‌یاد می‌روشن و کوتاه می‌توان گفت، بهائیت با سوءاستفاده از فطرت پاک مردم ایران، ابتدا با حمایت روس‌های تزاری سر برآورد و سپس به‌رهبری لگلیسی‌ها ادامه حیات داده و در نهایت، با حمایت‌های استعماری دولت آمریکا و رژیم اسرائیل، گسترش یافت و به کشورهای مختلف دنیا راه پیدا کرد.

این فرقه نوپدید، پس از کنارگذشتن رهبران آنها در عهد صدارت امیرکبیر، در دوران پهلوی بازگشتی مجدد به ایران داشت که این پژوهش در پی بازخولی این مرحله و مبارزات روحانیت در این دوران است.

سؤال اصلی پژوهش این است که بهائیان چگونه توانستند به اهداف خود در گسترش و ترویج بهائیت بپردازند.

فرضیه نگارنده این است که آنان با دو روش راهبردی به‌دربار پهلوی و مینا قراردادن اسلام‌ستیزی، درصد دستیابی به آرمان‌های خود بودند و بدون شک اگر در طرف مقابل،

مبارزه آشکار علمی و عطی علمای دین نبود امروزه بهمان اندازه‌ای بهائیت رشد و گسترش پیدا می‌کرد که وهابیت در جهان اسلام جایگاه یافته است.

### ساختار پژوهش

در این پژوهش پس از گزارشی کوتاه از عقاید رهبران بهائیت، ابتدا دومیسئله نفوذ بهائیان به‌دربار و اسلام‌ستیزی آنها که علت اصلی مخالفت‌ها بوده به‌صورت گذرا مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس، مبارزات تبلیغی - سیاسی دومرجع تقلید شیعه، آیت‌الله بروجردی و امام‌خمينی علیه السلام در این باره تحلیل خواهد شد.

### ماهیت فرقه بهائیت

توجه به‌لحرفات فکری دوره‌ی اصلی فرقه بهائیت،<sup>۱</sup> یعنی باب و بهاء به‌خصوص در باورهای آنان در حوزه توحید، نبوت و معاد می‌تولد اهمیت اصرار علمای اسلام در مبارزه با آنان را تبیین کنند. لذا ابتدائنگاهی کوتاه به‌ظریات باب و سپس بهاء، در حوزه‌های مذکور خواهد شد.

سیدعلی محمد شیرازی معروف به‌باب در چندمرحله، به‌ترتیب زملی ادعاهایی مطرح کرد که عبارت بودند از:

۱. در سال ۱۲۶۰ ادعای ذکریت کرد و گفت که مفسر قرآن است. (کلشلی، ۱۹۱۰: ۱۰۷ و ۲۰۹؛ فیضی، بی‌تا: ۱۴۹ و ۱۵۰)
۲. در سال ۱۲۶۱ ادعای بابیت کرد (شراق خاوری، بی‌تا: ۵۵۳) و گفت دروازه ارتباط با امام زمان است.<sup>۲</sup>

۳. در سال ۱۲۶۲ ادعای مهدویت کرد و گفت امام زمان است. او در چندجا این ادعا را مطرح کرد. یک‌دفعه به‌شکل علنی در کنار کعبه گفت: «من همان قائم هستم که منتظر او

۱. البته لحرفات فکری دیگر رهبران این فرقه، ملند عباس افندی و شوقی افندی تا رهبران بیت‌العدل نیز، دست‌کمی از حرفهای دوبنیان‌گذار اصلی آن نداشتند؛ به‌خصوص اصول دوازده‌گله عبدالبهاء که برگرفته از تفکرات اوملیسمی و ضددینی غربی است.

۲. «یا ایها الملا انا باب امامکم المنتظر». (باب، ۱۲۶۱، ۱۱۶)

بودید»<sup>۱</sup> (فیضی، بی تا: ۱۴۲) و دفعه دیگر هم در نامه به برخی مریدانش نوشت: «بهدرستی که من همان قائم برحق هستم که وعده ظهور او به شما داده شده بود»<sup>۲</sup> (فاضل مازندرانی، ۱۲۸۴: ۱۷۳/۳ و ۱۷۴)

۴. در سال ۱۲۶۳ ادعای نبوت کرد و گفت پیغمبر خداست. او هم ادعای بعثت کرد (باب، بی تا ب: ۳۰) هم، تحدی کرده و بتقلید از قرآن گفت، هیچ کس نمی تواند مثل کتاب من را بیاورد. (باب، ۱۲۶۱، سوره ۵ و ۵۲ بغفل از نجفی، ۱۳۵۷: ۲۵۷) او ادعای کتاب آسمانی (فیضی، بی تا: ۱۴۹ و ۱۵۰) و معجزه (باب، بی تا الف: ۲۵) و حتی ادعای نسخ دین اسلام را کرد. (باب، بی تا ب: ۴)

۵. در سال ۱۲۶۴ ادعای الوهیت و ربوبیت کرد<sup>۳</sup> و گفت که پروردگار چهارم (باب، بی تا ج: ۲۹) او در کتب پنجشأن می نویسد: «بهدرستی که من خدا هستم و هیچ پروردگاری غیر از من نیست»<sup>۴</sup> (مصطفوی، ۱۳۸۶: ۳/۲۴۹)

درباره قیامت نیز، هر چند از معاد یاد می کند ولی عملاً معتقد به قیامت نیست و آن را امری موهوم می داند. در کتاب بیان، واحد هشتم از باب نهم آمده است:

روز قیامت، روزی است مانند کل ایام. شمس طالع می گردد و غارب.

یا در واحد دوم از باب هفتم نیز آمده است:

قیامت عبارت است از وقت ظهور شجره حقیقت در هر زمان و بهر اسم.

پس از مرگ باب، میرزا حسینعلی نوری، معروف به «بهاءالله»، متولد ۲۳۳۳ اق، ادعای جلشینی او را کرد.

میرزا حسینعلی، ادعای پیامبری و شریعت جدیدی کرد و کتاب اقدس را نگاشت و پس از

۱. «انا القام الذي كنتم به تنتظرون».

۲. «انني انا القائم الحق الذي انتم بظهوره توعدون».

۳. درباره ادعای الوهیت باب و بهاء رجوع شود به عامر النجار، ۱۹۹۰: ۸۰-۷۶.

۴. «انني انا الله لا اله الا انا».

آن، اعلام «من یظهره اللّهی» و در پایان، ادعای «ربوبیت» و «الوهیت» کرد و خود را آفریدگار جهان نامید. پیرویش نیز خدایی او را باور کردند و قبر او را قبله خویش قرار دادند. او در کتاب «ایام تسعه» درباره روز دوم محرم (روز تولدش) که روز مقدسی نزد بهائیان است، درباره خود می‌گوید:

در این روز کسی به دنیا آمد که نه زایید و نه زاییده شده است.<sup>۱</sup>

یا در کتاب مبین می‌گوید:

خدایی به‌جز من زندانی، تنها نیست.<sup>۲</sup> (نوری، بی تا ب، ۲۸۶)

یا گفته:

همانا آن کسی که عالم را از برای خویش آفرید، در خراب‌ترین شهرها محبوس و زندانی است.<sup>۳</sup> (همان: ۲۳۳)

از نظر او، بظهور باب و بهاء شریعت اسلام به پایان رسید و تا هزار سال، پیامبر دیگری نخواهد آمد و دین اسلام منسوخ گردید. (نوری، بی تا الف: ۲۹۳)

او درباره معاد نیز در آثارش تصریح دارد که قیامت، برپا و تمام شده است، بهشت همان دیدار جمال میرزا بهاء‌الله بوده و آنان که از لقای او محروم شدند، مستحق دوزخ شدند. (همان: ۶۷)

### نفوذ به‌دربار

یادآوری این نکته در ابتدا ضروری است که این همه تحریر بهائیان بر حکومت و سیاست، مخالف منشور فکری ارائه‌شده از سوی رهبران این فرقه است. عبدالبهاء و وظایف دین و

۱. درباره دعوی خدایی باب و بهاء و برخی دیگر از ادعاهای افراطی آن دو، رجوع شود به کتاب محاکمه و بررسی باب و بهاء، تألیف علامه مصطفوی.

۲. لا اله الا انا المسجون الفرید.

۳. ان الذي خلق العالم لنفسه قد حبس في اخب البلاء.

روحلیان دینی را چنین تعریف می‌کند:

دین از سیاست جداست. دین را در امور سیاسی مداخلی نه، بلکه تعلق دین به عالم اخلاق است و امری است روحانی و وجدانی تعلق به قلوب دارد نه عالم اجسام. رؤسای دین باید به تربیت و تعلیم نفوس پردازند و ترویج حسن اخلاق نمایند ولی در امور سیاسی مداخله ننمایند. (عبدالبهاء، بی تا: ۳۰)

وی همچنین در خطابه‌ای در پاریس در ۱۷ نوامبر ۱۹۱۱ می‌گوید:

دین ابدأً در امور سیاسی علاقه و مداخلی ندارد؛ زیرا دین تعلق به ارواح و وجدان دارد و سیاست، تعلق به جسم لهذا رؤسای ادیان نباید در امور سیاسی مداخله نمایند، بلکه باید به تعدیل اخلاق ملت پردازند. نصیحت کنند و تشویق و تحریص بر عبودیت نمایند. اخلاق عمومی را خدمت کنند. احساسات روحانی بنفوس دهند. تعلم علوم نمایند. و اما در امور سیاسی ابدأً مداخلی ندارند. (اشراق خاوری، بی تا ب: ۱۷۶/۱)

تشکیلات بهائیت در شیوه ورود به دربار، ابتدا خود را حامی اصول شاهنشاهی نشان دادند و در این راه تأثیر بسزایی داشتند. آنها نقش اساسی در سرنگونی دکتر مصدق در سال ۱۳۳۲ و همین‌طور در روی کار آمدن امیرعباس هویدا به نخست‌وزیری ایفا کردند. (فیچیکا، ۹۸۱: ۲۷۵ - ۲۷۳، ۳۹۵)

همچنین بهائیان در آستانه تشکیل حزب رستاخیز، سیاست خود را وفاداری کتبی به اعلیحضرت همایونی، احترام به قلمون اساسی و تمکین از اصول نهضت ترقی و تعالی ایران که به نام لقلاب ششم بهمن معروف است، اعلام کردند. آنها خود را مطیع فعال معرفی می‌کردند، نه بی‌طرف بی‌اعتنا. (بی تا، ۳۵۲: ۵۳۶ و ۵۳۷)

آنها با این حیل به راحتی توانستند با حمایت استعماری، اعتماد دربار را به خود جذب کنند. به گفته فردوست، رئیس دفتر اطلاعات شاه، شخص شاه در جریان رشد و نفوذ بهائیان قرار داشت. فعالیت‌های بهائیت توسط ساواک به دقت دنبال می‌شد و گزارش این فعالیت‌ها در بولتن‌های نوبه‌ای، تنظیم و از طریق فردوست به اطلاع محمدرضا می‌رسید. وی می‌گوید:

این بولتن، مفصل‌تر از بولتن فراماسونری بود، اما محمدرضا از تشکیلات بهائیت

بازخوانی تحلیلی نقش آیت‌الله بروجردی و امام‌خمينی علیه السلام در... □ ۶۷

و به‌خصوص افراد بهائی در مقام مهم و حساس مملکتی اطلاع کامل داشت و نسبت به آنها حسن‌ظن نشان می‌داد. (فردوست، ۱۳۷۳: ۱/ ۳۷۴)

در نتیجه، شاه شخصاً بهائیگری و ترویج آن را در ایران تصویب و تأیید کرده است. (بی‌نا، ۱۳۷۹: ۷)

محمدرضا پهلوی معتقد بود بهائیان علیه او توطئه نمی‌کنند، از این رو وجودشان در مناصب دولتی برای او مفید تلقی می‌شود. آنان هم از این موقعیت برای به‌دست گرفتن اقتصاد کشور سود می‌جستند. (زاهد زاهدلی، ۱۳۸۴: ۲۴۶) به‌قول ارتشید فردوست، بهائیان از موقعیت خود در زمان پهلوی برای ثروتمند شدن جامعه بهائیت استفاده می‌کردند و از این ثروت در راه تبلیغ و ترویج فرقه خود، نهایت استفاده را می‌نمودند. (فردوست، ۱۳۷۳: ۱/ ۳۷۵ و ۳۷۶)

در گزارشی محرمانه به‌سفارت آمریکا، وضعیت بهائیان این‌گونه بیان می‌شود:

از نظر تعداد، مذهب بهائی در حال ازدیاد است و در سطح تصمیم‌گیری در دولت ایران در حال اعمال نفوذ است. (بی‌نا، ۱۳۷۹: ۷)

بهائیان حتی نسبت به‌علماء و مراجع نیز جسارت می‌کردند. دکتر جزایری وزیر فرهنگ کابینه رزم‌آرا، از قول آیت‌الله بروجردی چنین نقل می‌کند:

کار بهائیان به‌جایی رسیده که یکی از کارکنان فرهنگ که بهائی است. نامه‌ای به‌من نوشته و مرا تبلیغ نموده و دعوت کرده است که بهائی شوم تا خودم و شیعیان رستگار گردند. من گستاخی او را به‌وزارت فرهنگ گوشزد نمودم و او را موقتاً برکنار نمودند، اما مجدداً با اعمال نفوذ به‌خدمت فرهنگ برگشت. (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۶، ۱۱۰)

نفوذ بهائیان به‌دربار با مساعدت و همکاری امیرعباس هویدا و عبدالکریم ایادی فراهم شد. به‌بیان فردوست:

در دوران هویدا، ایادی تا توانست وزیر بهائی وارد کابینه کرد و این وزرا بدون اجازه او حق هیچ‌کاری نداشتند... به‌نظر، افسانه می‌رسد و بر این اساس می‌توان کتابی نوشت که آیا ایادی بهایی، بر ایران سلطنت می‌کرد یا محمدرضا پهلوی؟ (فردوست، ۱۳۷۳: ۱/ ۳۰۲)

این دو، تعصب فراوانی در پایبندی به اصول بهائیت از خود نشان می‌داند. مرحوم فلسفی درباره عبدالکریم ایادی به‌عنوان تأثیرگذارترین بهائی دربار می‌گوید:

ایادی به‌قدری متعصب است که چندی قبل وی جهت مسافرت به آمریکا در التزام رکاب در نظر گرفته شده بود، تا نرفت و از محفل بهائی‌ها اجازه نگرفت، از رفتن خودداری نمود. (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۱۰)

هویدانیز تا اندازه‌ای حامی بهائیان است که در سالن بزرگ حيفا در معبد بهائیان، روی قالی‌های آن نام امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر ایران را می‌بینی. (افراسیابی، ۱۳۸۲: ۶۶۲)

مشهورترین سرمایه‌دار بهایی مسلک ایران، «حبيب ثابت پلسال» است.<sup>۱</sup> او در تاریخ ۱۳۴۴/۲/۱۰ بمحفل ملی بهائیان ایران نامه‌ای نوشت و متذکر شد که هدف اصلی از تشکیل تلویزیون در ایران، ایجاد کار برای جمعی از یاران (بهائیان) بوده تا بتدریج امکاناتی برای نشر افکار روحانی و معارف حکم الهی (افکار بهائی) به‌وجود آید و به‌هیچ‌وجه برخلاف نظریات امراله (دستورات بهائی) اقدامی نخوهد شد. (بی‌نا، ۱۳۸۷، ۲۴۳ - ۲۲۵)

در حقیقت، بهائیان دومؤلفه مهم دستیابی به‌قدرت و ثروت را عامل گسترش و نفوذ فرقه متبوعشان می‌دانستند و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکردند.

بهائیت در این راه، نه تنها پست‌های کلیدی و مناصب عالی کشوری را در اختیار گرفتند، بلکه در ادارات محلی و شهرستان‌ها نیز وضعیت به‌چنین منوال بود و این خود سبب اعتراضات گسترده مردمی شده بود. قدرت محلی آنها به‌گونه‌ای بود که در برخی از مناطق مانند شاهرود و ابرقو به‌راحتی دست به‌قتل برخی مسلمانان زدند. (بنگرید به: جعفریان، ۱۳۸۶: ۷۸ - ۱۷۶ و ۱۸۰ - ۱۸۲) همان‌گونه که خوهد آمد، مبارزات آیت‌الله بروجردی نیز ابتدا به‌سبب نفوذ بهائیت در ادارات دولتی بروجرد و اعتراضات گسترده مردمی آغاز و سپس در سطح بالاتری در قم ادامه یافت.

این نکته قابل یادآوری است که بهائیان، حضور خود در ایران را مبتنی بر اصل اساسی و

۱. حبيب ثابت پلسال، عضو محفل روحانی بهائیان ایران، مدیر شرکت زمزم، نماینده فولکس واگن در ایران و مؤسس تلویزیون ایران است.



استرئوتیپیک «ارض موعود»، همانند نگاه یهودیان به سرزمین فلسطین توجیه می‌کنند. آنها ایران را بعد از اسرائیل، دومین سرزمین بهائیان و آن را مرکز قیام و تسخیر جهان می‌دانستند و در نقشه دهساله خود، بر اهمیت ایران برای بهائیت تأکید داشتند.

«شوقی افندی»، چند سال قبل از مرگش، تنظیم طرح جهانی بهائیان تحت عنوان «نقشه دهساله» را آغاز کرده بود. این نقشه، شامل ۲۸ هدف است که پیشوای چهارم بهائیان تأکید کرده بهائیان با عزمی راسخ و تصمیمی قاطع، باید مرحله به مرحله، اهداف این نقشه را به اجرا درآورند. نکته قابل توجه در این اهداف، این است که ایران نزد بهائیان بمهد امرالله (یعنی زادگاه باب و بهاء و محل ظهور این فرق) معروف و از قداست ویژه‌ای برخوردار است و در طرح دهساله شوقی، بعد از اسرائیل، مرکز بهائیت و ارض موعود معرفی می‌شود که باید نصیب بهائیان شود؛ (رائین، ۱۳۵۷: ۲۱۵ - ۲۰۵)

ارتشبد فردوست، مباشر عالی دربار پهلوی دوم، نیز این مسئله را تأکید کرده و می‌گوید:

آنها ایران را همان ارض موعود می‌دانند که باید نصیب بهائیان شود و لذا برای تصرف مشاغل مهم سیاسی، منعی نداشتند. (فردوست، ۱۳۷۳: ۱/ ۳۷۵)

در حقیقت، در این دوره تاریخی عملاً حکومت از دست محمدرضا شاه بیرون آمده بود و تصمیمات اساسی و کلان داخلی و خارجی در اختیار بهائیان قرار گرفته بود که بیشتر در دوحوزه اصلی ثروت و قدرت متمرکز می‌شد. حساسیت کار بهجایی رسیده بود که مراجع تقلید زمان، به نحو منحصر به فردی وارد میدان مبارزه فکری، فرهنگی و عطفی شدند.

لذاک بررسی تاریخی، این واقعیت را به دست می‌دهد که بهائیان به گونه‌ای بر کلون‌های اصلی حکومت سیطره یافته بودند که شاید هیچ‌گاه تصور جدایی از این همای شیرین به ذهن آنها خطور نمی‌کرد؛ زیرا تمام عوامل بقای در قدرت ملند پشتولاهای داخلی و خارجی به خوبی برای بهائیان مهیا بود.

#### اسلام‌ستیزی بهائیان

یکی از فعالیت‌های بهائیان، دین‌ستیزی و تلاش برای ضربه زدن عطفی و نظری به اسلام و

باورها و اعتقادات مردم مسلمان ایران بود.

در گزارش ساواک، از سخنان فردی بهائی در جلسه‌ای در شیراز به نام «ولی الله لقمه‌ی» چنین آمده است:

اکنون از آمریکا و لندن صریحاً دستور داریم در این مملکت مد لباس و یا ساختمان‌ها و بی‌حجابی<sup>۱</sup> را رونق دهیم که مسلمانان نقاب از صورت خود بردارند. به‌طوری که من مطالبی در منزل آقای معتمد قرطت کردم و تمام دختران و پسران بهائی خوشحال شدند. راهکارهایی که فرد بهائی فوق‌ارزئه داده جالب است: در ایران و کشورهای مسلمان دیگر، هر چه بتوانید با پیروی از مد و تبلیغات، ملت اسلام را رنج دهید تا آنها نگویند امام حسین فاتح دنیا بوده و علی غالب دنیا. البته بهائیان هم تصدیق دارند، ولی نه برای قرن اتم؛ اتمی که به‌دست بهائیان درست می‌شود، اسلحه و مهمات به‌دست نوجوانان ما در اسرائیل ساخته می‌شود. این مسلمانان آخر به‌دست بهائیان از بین می‌روند و دنیای حضرت بهاء‌الله رونق می‌گیرد! (حسینیان، ۱۳۸۴: ۱۸۳، سند شماره ۱۳)

بنابر مدارک و اسناد موجود، شاه، چنان در حمایت از بهائیان کوشید که بهائیان مدعی بودند کارهایی که اکنون (سال ۴۸) به‌دست اعلیحضرت آریلمهر صورت می‌گیرد، هیچ‌کدام آن، روی اصول دین اسلام نیست؛ زیرا شاه به‌تمام دستورات بهائی آشنایی دارد. (همان: ۸۲، ۱۷۲ و ۱۷۳)

شاه و دیگر ایلای استعمار، نظیر «لسدالله علم» زمزمه‌ی لغای بعضی از قولین اسلام را هر روز تحت عنوانی ساز کردند؛ «لایحه لجمن‌های ایالتی و ولایتی»، «کنفرانس آزادزنان و آزادمردان»، «لقلاب سفید شاه و ملت»، «لوايح شش‌گله» و درنهایت «قلون حمایت خلواده»، از برنامه‌هایی بود که توسط دول امپریالیستی به‌ویژه آمریکا برای ریشه‌کن ساختن اساس اسلام و استقلال ایران، مطرح و توسط شاه به‌اجرا گذارته شد. (روحانی، ۳۶۴: ۳۰۲ و ۳۰۳) یکی از علل اصلی قیام امام‌خیمینی علیه‌السلام نیز مبارزه با این قولین ضددینی بود.

۱. به‌گفته‌ی فردوست: «از دختران بهائی به‌عنوان مبلغ برای جلب جوانان از طریق روابط جنسی استفاده می‌شد». (فردوست، ۳۷۳: ۱ / ۳۷۵ و ۳۷۶)

### روحانیت و مبارزه با نفوذ بهائیت

کاربرد و کارآیی مذهب تشیع، پس از مقابله روحانیت با قرارداد رویتر، به‌خصوص پس از رویداد رژی که به‌جنبش معروف تنباکو و پیروزی مردم و روحانیت منجر شد، (نجفی، ۳۸۱): ۱۶۹ و ۱۷۰) توجه قدرتهای استعمارگر را برلگیخت و پس از آن، به‌کارگیری جاسوسان و عوامل مختلف برای بهره‌برداری از این مسئله در جهت برآوردن منافع مورد نظر خویش، در رأس اقدامات آنان قرار گرفت. در چنین زمانی بود که دعاوی باب و بهاء، نظر سیاست‌بازان خارجی را به‌تداوم حیات این فرقه به‌عنوان نطفه‌ای که می‌تولد تهدیدی جدی برای تشیع، روحانیت و نظام مدافع و مروج شیعه به‌شمار آید، به‌خود جلب کرد. (همان، ۱۳۵۷: ۵۱۶ و ۶۱۶)

با توجه به این ادعا که علی‌محمد باب، خود را مهدی موعود می‌خواند و از سوی دیگر، مردم از جنگ و جدال‌های دوران مشروطه به‌ستوه آمده بودند، زمینه برای جذب و گرایش مردم ایران به این سو فراوان بود. از این رو، روحانیت از آغاز پیدایش باب به‌مبارزه با این فرقه استعماری پرداخت و در سه مرحله در شیراز، اصفهان و تبریز، باب را در مناظرات اعتقادی شکست دادند و قطعاً اگر تفکر عالمان شیعه غلبه نمی‌یافت، امروزه باید شاهد جایگاه دیگری برای باییت و بهائیت می‌بودیم.

جدال، تنها به‌حوزه گفتگو و مناظره، منحصر نبود بلکه کار به‌جایی کشید که برخی عالمان دین، جلسان را در این راه فدا کردند. معروفترین آنها «ملاحم‌دقتی برغلی» معروف به «شهید ثلاث» است. که به‌سبب افشای ماهیت کریه این فرقه و به‌خصوص عروس و دختر بردارش، معروف به «قره العین» جلس را در این راه داد.

با توجه به نفوذ بهائیت به‌دربار پهلوی و حمایت بی‌شائبه استعمار از آنها، اوج مبارزه روحانیت و مراجع تقلید علیه این فرقه در دوران پهلوی است<sup>۱</sup> که در این باره آیت‌الله بروجردی و امام‌خمینی علیهما السلام نقش آشکار و بی‌بدیلی داشتند.

۱. برای مطالعه بیشتر پیرامون برخی از مبارزات روحانیت در سطوح محلی و کشوری در مقابل فرقه بهائیت رجوع کنید به: جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۸۲ - ۱۷۶.

## مواضع آیت‌الله بروجردی

در بین مراجع شیعه، آیت‌الله بروجردی بیش از دیگران نسبت به مسئله بهائیت حساسیت نشان دادند و مبارزه با آن را به صورت‌های مختلف پی گرفتند.

آیت‌الله بروجردی، هم به فعالیت‌های تبلیغی و افشای چهره بهائیت نزد عموم مردم توسط خود و مبلغان دینی پرداخت و هم از طریق رایزنی و اظهارهای سیاسی به دولت‌مردان پهلوی کار را پی گرفت.

آقای واعظ‌زاده از شاگردان امام و آیت‌الله بروجردی که از نزدیک، شاهد بسیاری از حوادث سیاسی آن دوران بوده است، می‌گوید:

اصلاً مبارزه با بهائیت توسط آیت‌الله بروجردی شروع شد. ایشان خطر بهائیت را خیلی جدی می‌گرفت. (بی‌نا، ۱۳۸۶: ۵۰)

ایشان مبارزاتش را پس از بازگشت از نجف در شهر بروجرد آغاز کرد. در سال‌هایی که فرقه ضلالت بهائیت، فعالیت خود را در بروجرد به‌خصوص در ادارات دولتی، تشدید کرده بودند، آیت‌الله بروجردی مجدلاً به‌مقابله پرداختند و به‌عنوان اعتراض به این امر، از شهر خارج شدند. خبر عزیمت ایشان در مدت‌های مردم شهر و نواحی را به‌مظاهرات و اجتماع در تلگرافخانه واداشت. دولت پس از مشاهده این اوضاع، احساس خطر کرده و سعی در مراجعت ایشان به شهر کرد. به‌زودی محافل و مجالس آشکار بهائی‌ها تعطیل و افراد منحرف از ادارات شهر منتقل شدند و ایشان به‌شهر مراجعت کردند. (دولتی، ۱۳۷۹: ۱۱۰-۱۰۹ و ۱۱۲)

پس از اینکه ایشان به‌دعوت علما در قم استقرار یافتند ابتدا از راه فعالیت‌های تبلیغی و ارشاد و تذکر وارد عمل شدند. آیت‌الله بروجردی، در ماه مبارک رمضان، یکماه تمام، منبر رفته و پیرامون مهدویت امام زمان علیه السلام از قول علمای اهل سنت و شیعه و رد نظرات بهائیان، سخن گفتند. (همان، ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۲) به‌گفته آیت‌الله جعفر سبحانی، ایشان در سال ۱۳۳۱ نیز جمعی از فضایی آن روز حوزه را برای خشی کردن تبلیغات بهائیان به «فریدن» اصفهان اعزام کرد. (بی‌نا، ۱۳۸۶: ۵۰)

این مرحله مبارزاتی ایشان در دوران نخست‌وزیری رزم‌آرا و آغاز قدرت‌یافتن بهائیان بود که ایشان بیشتر از روش‌های مسالمت‌آمیز و نهی از منکر لسانی استفاده می‌کردند.

دکتر جزایری، یکی از این نمونه تلاش‌های حضرت آیت‌الله را در مصاحبه با روزنامه اتحاد ملی چنین بیان می‌کند:

در سال ۱۳۲۹ هنگامی که وزیر فرهنگ بودم، به من گفته شد که حضرت آیت‌الله بروجردی می‌خواهند ملاقاتی دست دهد؛ در این ملاقات، حضرت آیت‌الله بروجردی گفتند که پیامی برای دولت و شاه دارم و آن این است که چندی است شوقی افندی از «عکا» دستور داده که بهیلان متظاهر شوند و تا به حال اگر محفلی و مجلسی داشتند تظاهر نمی‌نمودند، اما اخیراً پلاک نصب می‌کنند (اینجا محفل است) و این موجب شکوه مسلمانان است و حتی یکی از افسران ژاندارمری در حدود کاشان، رسماً تبلیغ می‌نماید و هر چه هم بعدولت گفته شد که این افسر را از حدود حوزه علمیه قسم تغییر دهند تأثیری نکرد. ... علمای مشهد هم نوشته اند که تعداد زیادی از کادر آموزشی فرهنگ مشهد بهیلهی هستند. تمام این موضوعها را بعدولت و شاه بگویند. (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۱۰)

پس از رزم‌آرا، دکتر مصدق نخست‌وزیر شد و این، زملی بود که بهیلهیان در موقعیت و قدرت بالاتری قرار گرفتند. در این زمان، مرحوم فلسفی پیغام و تذکر آیت‌الله بروجردی را بمصداق ابلاغ کرد و گفت:

شما رئیس دولت اسلامی ایران هستید و الان بهیلهیها در شهرستانها فعال هستند و مشکلاتی را برای مردم مسلمان ایجاد کرده‌اند، لذا مرتباً نامه‌هایی از آنان به‌عنوان شکایت به آیت‌الله بروجردی می‌رسد. ایشان لازم دانستند که شما در این باره اقدامی بفرمایید.

دکتر مصدق به‌گونه‌ای تمسخرآمیز بلند خندید و گفت:

آقای فلسفی، از نظر من، مسلمان و بهیلهی فرق ندارند. همه از یک ملت و ایرانی هستند. (دوانی، ۱۳۸۶: ۱۸۸)

آیت‌الله بروجردی در تیر ۱۳۳۴ طی نامه‌ای دیگر بمخست‌وزیر، با لحنی منطقی اما قاطع و جدی، با اشاره به پیگیری ناقص او در اجرای نظریات ایشان راجع به بهیلهیان، متذکر می‌شود که نامه ایشان به‌شاه، متضمن چاره‌جویی بود و درخواست شده بود که در صورت

عدم پاسخگویی قولین موجود، قولین لازم را در مجلس تصویب کنند تا عملیات سابق این فرقه دوباره تکرار نشود (همان: ۱۸۹ و ۱۹۰) و در ادامه، با اشاره به خطرات بهائیت برای استقلال کشور هشدار دادند لازم است ادارات و مراکز حساس و وزارتخانه‌ها از این عناصر، تصفیه شوند. (همان)

در روز بیستم اردیبهشت، مصاحبه‌ای از ایشان در روزنامه کیهان چاپ شد. ایشان در این مصاحبه دستور دادند:

کلیه بهائیان از ادارات دولتی و بنگاه‌های ملی باید هرچه زودتر طرد شوند و دولت از مجلسین بخواهد که طرحی از مجلس بگذرانند که تمام بهائیان از کشور خارج شوند.

همچنین در جواب استفتایی درباره مرآده و معامله با بهائیان فتوا دادند:

لازم است مسلمین نسبت به این فرقه، معاشرت و مخالطه و معامله را ترک کنند. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸: ۴۷/۱)

مرحوم فلسفی در مورد سرلشکر ایادی، پزشک مخصوص شاه نیز می‌گفت:

تقاضای حضرت آیت‌الله بروجردی خیلی صریح بود و حتی پیغام دادند که صلاح نیست پزشک مخصوص اعلیحضرت همایونی پیرو مذهب بهائی باشد. (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۱۰)

کار به‌جایی رسید که آیت‌الله بروجردی از شدت ناراحتی، تصمیم بترک ایران و عزیمت به‌عبات را گرفتند که به‌دلیل مخالفت مردم قم و دیگر شهرها، عملی نشد. (همان: ۲۲۳)

البته در اینجا نباید نقش مرحوم فلسفی را نادیده گرفت که عملاً سخنگوی آیت‌الله بروجردی در میدان مبارزه با بهائیت بود.

آیت‌الله بروجردی در نامه‌ای در ۲۸ شهریور ۱۳۲۸ به آقای فلسفی نوشتند:

ایجاد نفوذ و تقویت این فرقه از روی عمد و قصد است، نه خطا و سهو و تظاهراتی که نادراً مشاهده می‌شود بر علیه آنها، فقط و فقط تظاهر و اغفال حقیقت است، نه حقیقت. (دوانی، ۱۳۸۶: ۱۸۹)

هنگامی که مرحوم فلسفی تصمیم گرفت در رمضان ۱۳۳۴، در سخنرانی‌های خود که مستقیماً از رادیو پخش می‌شد به افشای خطر رسوخ بهائیان در لاره امور کشور پردازد، با آیت‌الله بروجردی مشورت کرد و پس از موافقت و دستور آیت‌الله، جریان را به اطلاع شاه نیز رساند. (آذری قمی، ۳۷۳: ۴۹۸ و ۴۹۹)

یکروز پس از لشغال «حظیرة القدس»<sup>۱</sup> مرکز اجتماع و تبلیغ بهائیان توسط فرم‌مداری نظامی تهران،<sup>۲</sup> یعنی روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۴ نامه‌ای از سوی آیت‌الله بروجردی خطاب به آقای فلسفی نوشته شد (کوهستانی نژاد، ۳۸۶: ۵۹ و ۶۰) که ضمن تقدیر و تشکر از سخنرانی‌های ایشان، به ادامه مبارزه و مقابله جدی با بهائیان تأکید کردند و گفتند:

... خدمات پریمی را که این چندروزه نسبت به دیانت و نسبت به قرآن کریم و بلکه مطلق کتب سماوات و نسبت به استقلال مملکت و حفظ مقام سلطنت و دولت و ارتش و تمام افراد ملت ایران و مسلمانان جهان انجام داده اید و مقداری از پرده ضخیمی را که یک‌حزب سیاسی به اسم مذهب بهائی روی منویات خود گسترده و متجاوز از سال‌ها در حدود صدسال که با تشکیلات بسیار منظم و صرف پول‌های گزاف مجهول‌المخزن و تبلیغات دامنه‌دار خود، علناً برضد مذهب رسمی مملکت که بالطبع موجب وحدت ملیت است و علیه سلطنت و حکومت کوشش می‌کنند، بالا زده و مقداری از ماهیت آنها را مکشوف نموده‌اید، موجب مسرت حقیر و عموم مسلمانان و بلکه مسرت حضرت ولیعصر ارواحنا فداه می‌باشد ... درخاتمه تذکر می‌دهم این حزب منحوس در بسیاری از شئون مملکت و حکومت نفوذ نموده و مکاتیب و تلگرافاتی که از شهرستان‌ها به حقیر می‌رسد کاملاً این معنی را حکایت می‌کند. (دوانی، ۳۸۶: ۱۸۹)

بغظر نگارنده، دهه سی را باید دهه مبارزات آیت‌الله بروجردی با فرقه بهائیت نام‌گذاری

۱. آنها زمین‌های زیادی در شیراز و مرودشت خریده بودند و قصد داشتند در شهرستان‌های استان فارس، هرجا که جمعیت بهائیان صنف‌ر می‌شد، حظیرة القدس بسازند. (سازمان اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۳۲)

۲. البته بغظر می‌آید این کار صرفاً برای آرام کردن جو موجود و متشنج مردم علیه بهائیت بوده است؛ زیرا پس از چندی فرم‌مداری نظامی تهران، ساختمان حظیرة القدس را مجدداً تحویل نمایندگان بهائیان داد.

کرد که نه در یک‌جبهه معمولی، بلکه در جبهه‌ای که مستظهر به حمایت داخلی و خارجی پیچیده استعماری بود به مبارزه می‌پرداختند و همان‌گونه که پیش از این آمد، آنها چیزی جز اصلاحات کامل فرهنگ اعتقادی شیعی را در نظر نداشتند.

در حقیقت، این از برجسته‌ترین نمونه‌های تاریخی درخشش مرجعیت شیعه در حفظ کیان اسلام و تشیع به حساب می‌آید که شبیه تحریم تنباکو توسط مرحوم میرزای بزرگ شیرازی در عهد ناصرالدین شاه قاجار بود. حتی بغض نگارنده، این اقدام از هر جهت فراتر از موارد پیش‌گفته و مشابه بوده؛ چه آنکه موضوع در اینجا به صورت مستقیم به ریشه‌های اعتقادی و دینی مردم بازمی‌گشت؛ زیرا همان‌گونه که پیش از این آمد، بهائیان عملاً اسلام را دینی منسوخ‌شده و پایان‌یافته می‌دانستند و خاتمیت و مهدویت را منکر بودند و در این راستا بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای بتبلیغ و ترویج این نگرش خودساخته می‌پرداختند. حال آنکه قضیه تنباکو به صورت مستقیم و اولیه، جنبه سیاسی و اقتصادی داشته و زمینه‌ساز ورود به مسایل اعتقادی بوده است. علاوه بر اینکه در این موضوع، شخص آیت‌الله بروجردی با تمام قدرت و توان فکری و عملی وارد میدان مبارزه شدند و نتنها خود، بلکه دیگر شخصیت‌های تولد و صاحب نفوذ حوزوی مانند مرحوم فلسفی و امام خمینی علیه السلام و برخی از علمای شهرستان‌ها را به دفاع از اسلام و مکتب تشیع ترغیب کردند.

بی‌دلیل نیست اگر گفته شود آیت‌الله بروجردی از زمینه‌سازان اصلی انقلاب شکوهمند ملت ایران بوده است؛ به خصوص اینکه تلاش‌های ایشان در تضعیف پایه‌های حکومت پهلوی از یکسو و ایجاد لگیزه و بصیرت از سوی دیگر، زمینه‌های قیام مردمی امام خمینی علیه السلام را به خوبی فراهم ساخت.

#### مواضع امام خمینی علیه السلام

امام خمینی علیه السلام پس از رحلت آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۴۰ هجری، به افشای علی‌ه دسیسه‌های مشترک بهائیت و رژیم پهلوی با حمایت دولت‌های استعماری پرداخت. این درحقیقت، زمانی بود که محمدرضا شاه پهلوی برای تضعیف قدرت مرجعیت در ایران و بی‌توجهی به آنان، رحلت آیت‌الله بروجردی را طی تلگرافی به علمای نجف تسلیمت گفت.



درواقع او از این طریق با غیررسمی‌خولدن مراجع قم، درصدد اجرای اهداف استعماری خود بود. به‌خصوص اینکه هیچ‌کدام از علما تا زمان حیات آیت‌الله بروجردی از شهرت کافی نزد مردم برخوردار نبودند.

در ابتدا قابل یادآوری است که حضرت امام، نیت‌ها بعد از رحلت آیت‌الله بروجردی، بلکه در زمان حیات ایشان هم نقش بازوی ایشان را در مبارزه با فتنه بهائیت عهده‌دار بود و گاهی نیز به نمایندگی از آیت‌الله بروجردی پیش شاه می‌رفت؛ تا جایی که معروف شده بود آیت‌الله خمینی، وزیر خارجه آیت‌الله بروجردی است. (لاجوردی، ۱۳۸۰: ۵۶ و ۵۷)

امام‌خمينی علیه السلام در سال ۱۳۴۱، فرقه ضاله بهائیت را یک‌حزب سیاسی خولندند. (بی‌نا، ۱۳۸۷: ۱۳۶) درحقیقت، مبارزات حضرت امام پس از تصویب قلمون لجمن‌های ایالتی و ولایتی که مولع حضور بهائیان در همه پست‌ها را برمی‌چید به‌اوج خود رسید؛ (روح‌لمی، ۱۳۶۴: ۱۷۴) زیرا در این قلمون، سه‌قید مردبودن، مسلمان‌بودن و تنها سوگندخوردن به‌قرآن لغو می‌شد که همه اینها خولسته بهائیان بود.

به‌همین دلیل امام‌خمينی علیه السلام در نامه‌ای به اسدالله علم درباره مساوی‌لگشتن قرآن با دیگر کتب منهبی هشدار دلند و فرمودند:

اگرگمان کردید می‌شود با زور چندروزه، قرآن کریم را درعرض اوستای زرتشت، انجیل و بعضی کتب ضاله قرار داد و به‌خیال از رسمیت انداختن قرآن کریم، تنها کتاب بزرگ آسمانی چندصدمیلیون مسلم جهان، افتاده‌اید و کهنه‌پرستی را می‌خواهید تجدید کنید، بسیار در اشتباه هستید. (امام‌خمينی، ۱۳۷۰: ۱/ ۹۰)

بعد از این جریان بود که ایشان به‌ملیت ایران خطر بهائیت را گوشزد کرده و چنین هشدار دلند:

اینجانب حسب وظیفه شرعیه به‌ملیت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می‌کنم قرآن کریم و اسلام در خطر است. استقلال مملکت و اقتصاد در معرض قبضه صهیونیست‌هاست که در ایران به‌شکل حزب بهائی ظاهر شدند و مدتی نخواهد گذشت که با این سکوت مرگبار مسلمین، تمام اقتصاد این مملکت را با تأیید عمال خود، قبضه می‌کنند و ملت مسلمان را از هستی در تمام شئون ساقط می‌کنند. (همان: ۵۶)

همچنین، امام بهدراج تساوی حقوق زن و مرد در تقویم که رأی عبدالیهاء بوده و برگرفته از تفکرات او ملیسمی غربی است به شدت اعتراض می‌کند. (همان: ۲۴۷)

ایشان در سال ۴۲، طی پیامی خطاب به علمای یزد فرمودند:

بسیاری از پست‌های حساس به دست این فرقه (بهائیت) است که حقیقتاً عمال  
اسرائیل هستند. تلویزیون ایران پایگاه جاسوسی یهود است. <sup>۱</sup> (رئوفی، ۱۳۸۷: ۱۷۶ و ۱۷۷)

امام خمینی علیه السلام به خوبی به خیلتهای بهائی‌ها در کشور و ارتباط آنان با اسرائیل آگاه بود. ایشان در سال ۱۳۴۳ در دیدار دلشجویان دلشگاه تهران با وی در قم، سخنلی ایراد کردند که بیش از هر چیز، هم وضع روز را در ارتباط با حکومت و هم اهداف مبارزه را نشان می‌دهد. ایشان فرمودند:

هدف، بزرگ‌تر از آزاد شدن عده‌ای است. هدف را باید در نظر داشت، هدف، اسلام است، استقلال مملکت است، طرد عمال اسرئیل [بهائیان] است، الان تمام اقتصاد مملکت در دست اسرئیل است، عمال اسرئیل [بهائیان] اقتصاد ایران را قبضه نموده‌اند. اکثر کارخانجات در دست آنان اداره می‌شود، تلویزیون، ارج، پسیکولا، ... باید صف‌ها را فشرده کنید، اینها عمال استعمار هستند، باید ریشه استعمار را کند. (مدنی، ۱۳۶۱: ۴۰)

حضرت امام خمینی علیه السلام همواره وضعیت فعالیت بهائیان و حمایت‌دربار از آنها را رصد کرده و به اقدام‌های لازم می‌پرداختند. ایشان پس از اینکه متوجه شدند رژیم پهلوی برای مسافرت سران بهائیت به منظور شرکت در انتخابات بیت‌العدل در لندن، امکاناتی در نظر گرفته است، به شدت به این امر اعتراض و در دفعات متعدد، این امر را گوشزد کردند. همچنین در نامه‌ای که خطاب به مردم و علمای همدان نوشتند (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۱/۲۲۷) و در نامه‌های دیگر، (همان: ۱/۲۲۶) متهم اصلی را حکومت و دولت پهلوی برشمردند. از جمله فرمودند:

از چیزهایی که سوغیت دولت حاضر را اثبات می‌کند، تسهیلاتی است که برای

---

۱. تلویزیون ایران در عصر پهلوی، مدتی در تهلک حبیب ثابت که یک بهایی سرمایه‌دار بود قرار داشت.

مسافرت دوهزار نفر یا بیشتر از فرق ضاله قائل شده است و به‌هر یک پانصد دلار ارز داده‌اند و قریب ۱۲۰۰ تومان تخفیف در بلیط هواپیما داده‌اند، به‌مقصد آنکه این عده در محفلی که در لندن از آنها تشکیل می‌شود و صددرصد ضداسلامی است شرکت کنند. درمقابل، برای زیارت حجاج بیت‌الله‌الحرام چه مشکلات که ایجاد نمی‌کنند و چه اجحافات و خرج تراشی‌ها که نمی‌شود. (همان: ۴۴)

حضرت امام خمینی علیه السلام به‌مخواری برخی اصول رژیم شاهنشاهی با تفکرات بهائیت معتقد بوده و می‌فرمودند:

برخی از اصول آن، نظیر تساوی مطلق حقوق زن و مرد، نشئت‌گرفته از رأی عباس‌افندی<sup>۱</sup> است. (همان: ۵۶)

ایشان هشدار می‌دهند:

ملت مسلمان تا رفع این خطرها نشود، سکوت نمی‌کنند و اگر کسی سکوت کند، در پیشگاه خداوند قاهر، مسئول ... است. (همان: ۳۴)

از اینجاست که در جریان قیام ۱۵ خرداد، منازل و دکان‌های متعلق به‌بهائیان مورد حمله مردم قرار گرفت. (زاهد زاهدلی، ۳۸۴: ۲۴۶)

بهائیان پس از این حادثه و مشاهده وضعیت وخیم به‌وجود آمده علیه آنها، تلاشی دوچندان را برای دستیابی به‌اهداف و درحقیقت، تحکیم جایگاه خود درپیش گرفتند.

گزارش‌های به‌دست آمده از ساواک نشان می‌دهد نفوذ بهائیان بعد از سرکوبی قیام ۱۵ خرداد در عرصه‌های ارتش، دانشگاه و عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی افزایش یافت. همچنین، وابستگی آنها به‌خارج از کشور به‌خصوص لگلیس در مسایل جاسوسی و اطلاعاتی به‌خوبی آشکار می‌شود. (همان: ۲۳۳)

شدیدترین موضع‌گیری امام را آنجا می‌بینیم که ایشان، سکوت مردم، علما و حوزه‌های

---

۱. تساوی حقوق زن و مرد یکی از اصول دوازده‌گانه عباس‌افندی است که تعالیم باب و بهاء را با آنچه در غرب تحت عنوان اوملیسم و مدرنیسم متداول بود، هم‌هنگ کرد.

علیه را سکوتی مرگبار می‌دلد و آنها را تحریص بموضع‌گیری می‌کند:

وای بر این مملکت، وای بر این هیئت حاکمه، وای بر این دنیا وای بر ما وای بر این علمای ساکت، وای بر این نجف ساکت، این مشهد ساکت، این سکوت مرگبار، اسباب این می‌شود که زیر چکمه اسرائیل بدست همین بهائی‌ها؛ این مملکت، این نوامیس ما، پایمال بشود ... (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۱/ ۲۱۲)

پس از این موضع‌گیری‌های انقلابی امام بود که در سال ۱۳۴۳، ایشان را بقریه تبعید کردند و زمینه برای نخست‌وزیری سیزده‌ساله هویدای بهائی فراهم می‌شود. در این دوره، روزبه‌روز بر قدرت این فرقه افزوده شد تا جایی که در کابینه هویدا، نه وزیر بهائی<sup>۱</sup> راه یافت. (زاهد زاهدلی، ۱۳۸۴: ۲۹۲ و ۲۹۳)

مبارزه امام خمینی علیه‌السلام علیه بهائیان، علاوه بر تکمیل اقدامات آیت‌الله بروجردی، واجد چند نکته مهم بود:

نخست آنکه از این طریق به خوبی عزت و کرامت حوزه علییه قم و مراجع تقلید، پاس دلشته شد و نقشه حکومت پهلوی در لتقال مرجعیت از قم به نجف نقش بر آب شد.

دوم آنکه امام، تصریح و تأکید دلشوند که بهائیت یک‌حزب و در واقع دست‌نشدنی، بیش

۱. بنابر آنچه از بررسی منابع بدست می‌آید بهائیلی که فقط در بالاترین مقامات حکومتی در دربار پهلوی (بخصوص در دوره نخست‌وزیری امیرعباس هویدای بهائی) صاحب‌منصب بودند عبارت بودند از: سپهبد عبدالکریم ایادی، پزشک مخصوص شاه و رئیس بهداری ارتش؛ منصور روحلی، وزیر آب و برق و نیز کشاورزی؛ عباس آرام، وزیر خارجه؛ سپهبد اسدالله صنیعی، آجودان مخصوص محمدرضا در زمان ولیعهدی و وزیر جنگ و نیز وزیر تولیدات کشاورزی و مولا مصرفی در زمان سلطنت وی؛ غلامرضا کیان‌پور، وزیر دادگستری؛ منوچهر تسلیمی، وزیر بازرگانی و اطلاعات؛ دکتر منوچهر شاهقلی (پسر سرهنگ شاهقلی مؤذن بهائی‌ها)، وزیر بهداری و علوم؛ هوشنگ نهاوندی، وزیر علوم، رئیس دانشگاه تهران و شیراز، رئیس دفتر فرح و یکی از ارکان حزب رستخیز؛ فرخ‌رو پارسایی، وزیر آموزش و پرورش؛ سپهبد پرویز خسرولی، فرمانده ژاندارمری ناحیه مرکز در جریان کشتار ۱۵ خرداد ۴۲، آجودان فرح، معاون نخست‌وزیر و رئیس سازمان تربیت‌بندی و مدیرعامل باشگاه تاج؛ دکتر شاپور راسخ، رئیس سازمان برنامه و بودجه؛ پرویز ثابتی، معاون سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک)؛ ارتشید جعفر شفق، رئیس ستاد ارتش؛ سپهبد علی‌محمد خلامی، رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل هواپیمایی ملی ایران «هما» و ...

نیست و طرف حساب مردم ایران را آمریکا و اسرائیل اعلام کردند که این بزرگترین ضربه بر پیکره حکومت و بهائیت بود.

آخر اینکه امام به‌خوبی مردم را در ستیز با بهائیان به‌صحنه آوردند که نمونه آن، قیام مردمی ۱۵ خرداد بود و خود نیز تمام سختی‌های این مبارزه را از دستگیری تا تبعیدهای متعدد و طولانی پذیرفتند که مجموعه این حرکت‌ها در بهمن ۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب اسلامی به‌ریشه‌کنی اساسی بهائیان منتهی شد.

### نتیجه

در این پژوهش که به‌بازخوانی تحلیلی نقش آیت‌الله بروجردی و امام‌خمينی علیه السلام در مبارزه با اسلام‌ستیزی و نفوذ بهائیان در حکومت پهلوی پرداخته است نکاتی چند به‌دست آمد. از جمله اینکه مهم‌ترین تلاش بهائیان و حلیان استکباری آن، راهیابی آنها به‌مناصب ثروت و قدرت بوده است.

آنها در راستای دستیابی به‌اهداف همه‌جانبه خود، دشمنی با اسلام و روحانیت را مهم‌ترین دستور کار خود قرار دادند و در این راه، مجلس شورای ملی را وادار به‌تصویب قلمون لجن‌های ایالتی و ولایتی کردند.

همچنین تلاش‌های قلمونی و سیاسی آیت‌الله بروجردی و سپس امام‌خمينی علیه السلام در راستای افشای چهره بهائیت موجب شد بسیاری از اهداف سوء آنها خنثی شود.

در این جستار، به‌دست آمد که بازبینی آرا و نظریات بنیان‌گذاران بهائیت، هرگونه سنخیت آنان با آموزه‌ای بنیادین اسلامی به‌خصوص در مسائلی ملند توحید، نبوت و معاد را منتفی کرده، که این خود، مهم‌ترین علت مخالفت روحانیت و مراجع دینی با این فرقه‌نویید بوده است.

### منابع و مأخذ

۱. آذری قمی، احمد، ۱۳۷۳، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، قم، مکتبه ولایت فقیه.

۲. اشراق خاوری، عبدالحمید، بی‌تا، *رساله امر و خلق*، بی‌جا.
۳. \_\_\_\_\_، بی‌تا، *خطابات عبدالبهاء*، بی‌جا، مؤسسه ملی و مطبوعات امری.
۴. افراسیابی، بهرام، ۱۳۸۲، *تاریخ جامع بهائیت کالبدشکافی بهائیت*، تهران، مهر فام.
۵. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۰، *صحیفه نور*، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. بی‌تا، ۱۳۵۲، *مجله اخبار امری*، بی‌جا، شماره ۱۹.
۷. بی‌تا، ۱۳۷۹، *اسناد لانه جاسوسی*، تهران، جهان کتاب، چاپ دوم.
۸. بی‌تا، ۱۳۸۶، *ایام (ویژه‌نامه روزنامه جام جم)*، شماره ۲۹، شهریور ۱۳۸۶.
۹. بی‌تا، ۱۳۸۷، *سایه روشن بهائیت (جلد بیست و پنجم نیمه پنهان)*، تهران، کیهان.
۱۰. جعفریان، رسول، ۱۳۸۶، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران*، قم، نشر مؤرخ، چاپ هشتم.
۱۱. حسینیان، روح‌الله، ۱۳۸۴، *سه سال مرجعیت شیعه در ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، چاپ دوم.
۱۲. دوانی، علی، ۱۳۸۶، *خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۹، *مفاخر اسلام*، جلد دوازدهم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، چاپ چهارم.
۱۴. رئوفی، مهناز، ۱۳۸۷، *سایه شوم (جلد بیست و ششم نیمه پنهان)*، تهران، مؤسسه کیهان، چاپ

هشتم .

۱۵. رائین، اسماعیل، ۱۳۵۷، *انشعاب در بهائیت*، تهران، مؤسسه تحقیقی رائین.
۱۶. روحانی، سیدحمید، ۱۳۶۴، *نهضت امام‌خمينی*، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۱۷. زاهد زاهدانی، سیدسعید، ۱۳۸۴، *بهائیت در ایران*، با همکاری محمدعلی اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ سوم.
۱۸. زعیم الدوله تبریزی، محمدمهدی‌خان، ۱۳۴۶ق، *مفتاح باب‌الابواب یا تاریخ باب و بهاء*، ترجمه حسن فرید گلپایگانی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی فراهانی.
۱۹. سیاهپور، کشواد، ۱۳۸۷، «نامه‌ها»، تهران، *فصلنامه مطالعات تاریخی*، سال پنجم، شماره بیستم، بهار ۱۳۸۷.
۲۰. شهبواری، ثریا، ۱۳۸۷، *اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا شاه*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۱. شیرازی، سیدعلی‌محمد (باب)، ۱۲۶۱ق، *احسن القصص (تفسیر سوره یوسف)*، استنتاج سیدجواد بافقی کاتب، مکتب رضویه از روی نسخه ۱۲۶۱ق.
۲۲. \_\_\_\_\_، *بی‌تا الف، بیان عربی، بی‌جا*.
۲۳. \_\_\_\_\_، *بی‌تا ب، بیان فارسی، بی‌جا، مؤسسه ملی و مطبوعات امری*.
۲۴. \_\_\_\_\_، *بی‌تا ج، دلایل سبعة، بی‌جا، مؤسسه ملی و مطبوعات امری*.
۲۵. عامر النجار، د، ۱۴۱۹ق، *البهائیه و جذورها البابیة*، بیروت، دارالمنتخب العربی.
۲۶. عبدالبهاء، عباس، *بی‌تا، پیام ملکوت*،

- بی‌جا .
۲۷. علی‌پور، محمود، ۱۳۸۶، «مبلغان شیطان»، قم، *مجله فرهنگ پویا*، ش ۷.
۲۸. فاضل‌مازندرانی، ۱۳۸۴ق، *ظهور الحق*، تهران، مطبعه ازردگان.
۲۹. فردوست، حسین، ۱۳۷۳، *ظهور و سقوط سلطنت‌پهلوی*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، اطلاعات، چاپ ششم.
۳۰. فیچیکا، فرانچسکو، ۱۹۸۱، *آیا بهائیت دین جهانی در آینده است؟*، آلمان، دفتر مرکزی کلیسای پروتستان.
۳۱. فیضی، محمدعلی، بی‌تا، *حضرت نقطه اولی*، بی‌جا .
۳۲. کاشانی، میرزاجانی، ۱۹۱۰م، *نقطه الکاف*، تصحیح ادوارد براون، لیدن (هلند)، مطبعه بریل.
۳۳. کوهستانی‌نژاد، مسعود، ۱۳۸۶، *روحانیت - بهائیان (نیمه اول ۱۳۳۴)*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۴. لاجوردی، حبیب، ۱۳۸۰، *خاطرات دکتر مهدی حائری یزدی*، تهران، کتاب نادر.
۳۵. مدنی، جلال‌الدین، ۱۳۶۱، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، تهران، اسلامی.
۳۶. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، *قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک*، تهران، وزارت اطلاعات.
۳۷. مصطفوی، سیدحسن، ۱۳۸۶، *محاکمه و بررسی باب و بهاء*، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ چهارم.
۳۸. نجفی، سیدمحمدباقر، ۱۳۵۷، *بهائیان*، تهران، کتابخانه طهوری.



۳۹. نجفی، موسی و موسی فقیه حقانی، ۱۳۸۱،  
**تاریخ تحولات سیاسی ایران**، تهران، مؤسسه  
مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۴۰. نوری (بهاء‌الله)، حسینعلی، بی‌تا الف،  
اشراقات، بی‌جا.

۴۱. \_\_\_\_\_، حسینعلی، بی‌تا ب،  
**کتاب مبین**، بی‌جا.

۴۲. هاشمی تروجنی، محمد و حمید بصیرت‌منش،  
۱۳۷۸، **تاریخ معاصر از دیدگاه امام‌خمينی**،  
تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمينی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علوم انسانی